

جایزه‌ای برای زنی معترض

Herta Muler



«سیب‌زمینی گرم، رختخواب گرم» عنوان یکی از رمان‌های هرتا مولر برنده نوبل ادبیات امسال است. این رمان حدیث نفس و حاصل تأملات زنی ست در تبعید که به‌زحمت می‌تواند سرزمین مادری خود را از یاد ببرد و رخدادهای سیاسی وطن‌اش، رومانی، مشغله دائمی اوست. مولر در ۱۹۸۷ دست در دست شوهر نویسنده‌اش، ریچارد واگنر، در فرار از رژیم توتالیتر چائوشسکو رومانی را برای همیشه و به قصد آلمان ترک می‌گوید. به نیویورک تایمز گفته: «زندگی زیر سیطره دیکتاتوری رومانی چیزی نیست که با آمدن به آلمان، جایی که صدها کیلومتر از رومانی دور است، از یاد تو برود. بودن در آن شرایط را نمی‌توان فراموش کرد. من تمامی گذشته‌ام را با خود بقیچه کرده و به آلمان آورده‌ام و هنوز این‌جا، در برلین، موضوع اصلی تمامی رمان‌ها و مقاله‌های من بلایی است که رژیمی این چنینی به سر آدم‌هاش می‌آورد.»

سانسور می‌شود. با این وصف به نوشتن ادامه می‌دهد و به وضعیت اسفباری که گریبانگیری شده فکر نمی‌کند. هرچه می‌نویسد آینه تمام‌نمایی است از زندگانی خودش. چه در زمانی که در رومانی است و چه بعدها که برای همیشه ساکن برلین می‌شود. نیویورک تایمز درباره‌اش گفته: «سال‌های سال است که در رومانی زندگی نمی‌کند، اما هنوز که هنوز است فشار، تبعید، جبر و زورگویی موضوع بیشتر کتاب‌ها، شعرها و مقاله‌های اوست.» موضوع رمان «قرار ملاقات» بسیار جذاب است و آرزوی فرار از کشور و عشق، در آن تنیده شده است؛ دختر دوزنده‌ای در هرکت و شلواری که می‌دوزد و می‌داند که قرار است در ایتالیا فروخته شود جمله «بیا با من ازدواج کن» را گل‌دوزی می‌کند شاید که فرجی شود و هم به وصال عشق برسد و هم به وصال یک کشور غربی. شیکاگو ریویو درباره این رمان نوشته: «قصه این کتاب مانند بختکی برخوردار شده فرو می‌افتد، این کتاب یک افسانه مدرن است.» و لوس‌انجلس تایمز می‌گوید خوانش این کتاب آسان نیست، که جهانی پراز توهم، پریشان‌خیالی و بیماری‌های عصبی را مجسم می‌کند. داستانی است درباره آدم‌هایی که به دست رژیمی دیوانه، دیوانه شده‌اند. «من به تمامی دوستانم که در جنگ رژیم وحشی چائوشسکو مردند بدهکارم، اصلاً برای همین «سرزمین گوجه‌های سبز» را نوشته‌ام.» این کتاب که دو جایزه ادبی ایمپک دولین و کلاسیک، بزرگترین جایزه ادبی آلمان، را می‌برد سرگذشت دانشجویانی را بازمی‌گوید که در زمان رژیم چائوشسکو از شهرستان به پایتخت می‌آیند و بلاهایی که بر سرشان می‌آید، مولر در این کتاب با قلمی شاعرانه، سیال، لغزنده و با بینش و بصیرتی ژرف زندگی نسل سوخته‌ای را تصویر می‌کند که پشت دیوارهای شیشه‌ای زندگی می‌کنند و همیشه دغدغه عریان دیده شدن را

مولر پنجاه و شش ساله اولین نویسنده رومانیایی است که نوبل می‌گیرد و دوازدهمین زنی است که در تاریخ نوبل ادبیات این جایزه را گرفته است؛ دریس لسینگ انگلیسی دو سال قبل این جایزه را از آن خود کرده بود. او سازش‌ناپذیر است. در ۲۰۰۵ کتاب «شاه تعظیم می‌کند و می‌کشد» را منتشر می‌کند، که شامل ۹ مقاله انتقادی علیه حکومت چائوشسکو در بیان تجربیات فردی خود مولر است. او نویسنده پرکاری است و داستان‌ها و مقالاتش در خدمت به تصویر کشیدن لحظه به لحظه زندگی انسان‌هایی‌ست که زیر مهمیز رژیم دیکتاتوری جان می‌کنند و حتی برای فرار از کشور مجبور می‌شوند به هر خفتی تن بدهند. در رمان «گذرنامه» آسیابانی دهاتی به اتفاق خانواده‌اش قصد مهاجرت از رومانی را دارند که به انواع سوءاستفاده‌های پولی و جنسی مقامات دولتی، از کوچک تا بزرگ، گرفتار می‌شوند. به گفته روزنامه «فرانکفورت آگماینه» این رمان تأثیرگذار، بی‌ادعا و فوق‌العاده است، گرچه از دید رسمی دولت رومانی این رمان مخدوش‌کننده تصویر ساده و آرمانی زندگی روستاییان آلمانی‌تبار ساکن رومانی است.

مولر از ۱۹۷۶ مترجم یک شرکت مهندسی در رومانی بوده و در ۱۹۷۹ به خاطر امتناع از همکاری با پلیس مخفی رژیم کمونیستی از کار اخراج می‌شود و به کار در مهد کودک رومی‌آورد و هنوز معلم مهد کودک است که سفری به آلمان می‌کند و در نمایشگاه کتاب فرانکفورت در یک سخنرانی پرشور رژیم دیکتاتوری چائوشسکو را مورد انتقاد صریح قرار می‌دهد. به رومانی که برمی‌گردد کارش در مهد کودک را از دست داده است. تدریس خصوصی زبان آلمانی ممر درآمدش می‌شود و در همین سال‌هاست که اولین مجموعه داستانش در ۱۹۸۲ گرفتار

کتاب

دارند. «هیچکس از من نپرسیده که می‌خواهم در کدام خانه باشم، کجا غذا بخورم، در کدام تخت‌خواب بخوابم و یا دوست دارم در کدام مملکت زندگی کنم و که را دوست بدارم».

سرزمین گوجه‌های سبز را غلام‌حسین میرزا صالح به فارسی برگردانده است. در «سفر با یک پا»، مولر به تبعیدشدگان به غرب می‌پردازد و احساساتی را بیان می‌کند که همچون طاعون برجان تبعیدیان سیاسی می‌افتد. او با ریزبینی تمام زندگی این تبعیدیان را ترسیم می‌کند و نشان می‌دهد تمامی معضلات روحی آن‌ها به ستم و خودکامگی دوران چائوسکو برمی‌گردد. و رمان «ماترکم را با خود می‌برم» داستان جوان ۱۷ ساله‌ای است که به اردوگاه کار اجباری فرستاده شده است. پیداست که مولر از بیان فجایی که زیر سلطه رژیم‌های توتالیتر کمونیستی رخ داده باز نمی‌ماند. در ۱۹۹۷ به ادغام انجمن قلم آلمان با شاخه آلمان شرقی سابق معترض می‌شود و از این انجمن کناره می‌گیرد و در جولای ۲۰۰۸ نامه سرگشاده‌ای می‌نویسد خطاب به رئیس فرهنگ رومانی تا به عضویت

دوخبرچین سابق نیروهای امنیتی در مدرسه تابستانی رومانی - آلمانی اعتراض کند. او تا آن‌جا که بتواند کوتاه نمی‌آید.

مولر در آلمان در دانشگاه تدریس می‌کند و عضو آکادمی زبان آلمان هم هست. امسال بسیاری از منتقدان که منتظر بودند یک آمریکایی برنده جایزه باشد از این انتخاب شگفت‌زده شدند اما پیتر آیرتون که بعضی از آثار مولر را به انگلیسی برگردانده وقتی خبر برنده شدن او را شنید نتوانست خوشحالی خود را پنهان کند و گفت: «باور نمی‌کنم. هیچ‌ان زده‌ام. انگار دیگر نوبل به آثار فوق‌العاده و مغفول جهان انگلوسکسون می‌پردازد. مولر با نثری موجز و شسته‌رفته رژیم توتالیتری را که به عنوان یک اقلیت زیر سلطه‌اش زندگی می‌کرده به خوبی تصویر می‌کند».

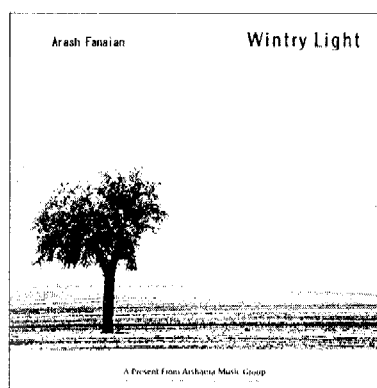
آکادمی سوئد جایزه نوبل را با تقدیر از نثر لطیف مولر به او اعطا کرده و در بیانیه‌اش گفته: «مولر با نثری بی‌پیرایه و به زلالت شعر فقر و بی‌خانمانی را مجسم می‌کند».

مضامین فلسفی است. بهره‌گیری از عناصر و علائم ادبیات بصری، بازی با فونت و اشکال، دلچسپی به شخصیت دادن به اشیاء، مشخصه‌هایی است که کارهای او را اندکی از دیگران متفاوت ساخته است. تاکنون برنده چندین جایزه ادبی از جمله تندیس هدایت در سال ۸۳ شده است. از ریاضی پیش از این مجموعه «وقتی که در حراج خودت شرکت می‌کنی» به چاپ رسیده است.

مجموعه نواهای آرش

فنائیان - آیدا فرخ درباره

این آلبوم می‌نویسد: سالیان درازی است بر صحنه‌ها از عشق نمایش کرده‌اند و بر بوم‌ها از درد... در کتاب‌های درس، مشق از غم زیبایی گفته‌اند و در کتاب‌های قصه، داستان از زیبایی غم... کتاب باز زندگی نیز چونان شهرزاد و



آرنوازی خوب‌گو، برای ما قصه‌ها می‌کند، گر در کار تماشا باشی... در باریدنش، زمبیدنش، به امواج و وزش و غرنبیدنش. تک نوری در مه و بوران زمستانی که خط می‌زند تیرگی را و انگار چیزی درونت آب می‌کند. داستانی آشنا که ناشنیده مانده است... و یا صدای «رعذباران» که گفت‌وگویی دارد خاک را، گاه غمین و عاشقانه، گاه صوفی و عارفانه... و صدای خیس آب‌ها که گویی کسانی را در خود نهفته می‌کنند و اگر به کافه دریایی آن‌ها قدم زدی، آوازه‌ها می‌شنوی از دل‌تنگی‌ها، آزادی‌ها... باد، گاهی به خشم یاغی تاختن است و گاه، رام‌شگری است بر برگ‌باد دلنواز تبریزی‌ها. مانده در ظهري آرام، دل‌ضربه‌ای از ما سراغ می‌گیرد!

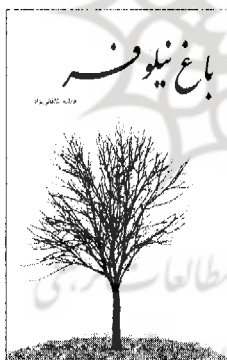
باغ نیلوفر

مجموعه شعر

فاطمه طالقانی‌نژاد

ناشر: فانوس دانش

از طالقانی‌نژاد مجموعه شعرهایی با عنوان «کودکی به نام باران»، «مادر، مرگ خاموش» و شعرهایی در ثنائی آیت‌الله طالقانی منتشر شده است. از باغ نیلوفر، باران صحرایی را بخوانیم؛



همچون تبلور وحشی / باران‌های صحرایی / به دنبالت می‌آیم / گیاهان خزه، نارون بید، افاقی صحرایی به دست می‌گذارم / آن‌گاه سپید می‌گردم / نگاهت را باران می‌دهم / تا شست‌وشو کنم / با باران‌های سحرگاه / زیباییت را / همچون بید مجنون پائیزی / که مرگانی زیبا دارد، / می‌خواهم صدایت را ببوسم / تکان چشمانت را آب دهم / دستانت را گرمای شقایق

بیانیه‌های جمعیت مبارزه با خشونت

علیه اشیاء

مجموعه داستان

نوشته امیر تاج‌الدین ریاضی

ناشر: انتشارات رود

نویسنده، دانش‌آموخته دانشکده حقوق و وکیل دادگستری است. نوشته‌هایش فرمالیزم همراه با

